

نوشتن، دلیلی برای زنده بودن است

نرگس باقری

در مجله رودکی، جای کودکان و کودکی‌هایمان خالی بود. توجه به ادبیات کودک و نوجوان و تلاش برای هر چه پربارتر کردن آن، علاوه بر رفع نیازهای کودکان و نوجوانان و عادت دادن آنها به فرهنگ کتابخوانی، موجب می‌شود که آنها با پیشینه‌ای قوی‌تر، پا به عرصه زندگی گذاشته و برغنائی ادبیات کشورمان، بیش از پیش بیافزایند.

از آنجا که ناشران و دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان نقش مهمی در رشد و ارتقای این مهم دارند، قصد داریم در هر شماره به معرفی یکی از انتشارات و موسسه‌های کتاب کودک و نوجوان بپردازیم تا با آشنایی با انگیزه‌ها، اهداف، مشکلات و راهکارهای ایشان و تبادل اطلاعات، گاهی در جهت پیشرفت و بهتر شدن فضای مناسب، برداشته شود. در این شماره، مهمان انتشارات شباویز و خانم دکتر فریده خلعتبری هستیم:

مختصری از خودتان، تحصیلات و آثارتان بگویید:

متولد ۱۳۲۶ هستم و در تهران به دنیا آمدم، دیپلم ریاضی را از دبیرستان هدف گرفتم، پس از دیپلم در امتحان اعزام به خارج از کشور شرکت کردم و به انگلستان رفتم. فوق لیسانس تجارت بازرگانی، فوق لیسانس مدیریت صنعتی و دکترای مالیات بین‌الملل دارم. حسابدار

خبره انگلیس هستم و دوره بازار پول و سرمایه را در سوئیس گذراندم. سال ۱۳۵۵ که به ایران برگشتم، با کارهای تخصصی رشته خودم شروع کردم ولی بعد از آن فقط کار کودک انجام دادم و تاکنون ۴۲ اثر در این زمینه دارم که به بیش از ۵۰ زبان در بیش از ۳۰ کشور جهان ترجمه شده است.

چه شد که زمینه فعالیت‌هایتان را تغییر دادید و به کار کودک روی آوردید؟

از اول هم علاقمند به فرهنگ و ادب ایران بودم. متأسفانه رشد تحصیلی‌ام و دوری از ایران مرا از خواسته‌ام جدا کرد، وقتی برگشتم، به تدریج از سال ۶۰ به کار نشر روی آوردم، ۱۳ شهریور ۱۳۶۳ شب‌ویز را راه انداختم که کار کودک و بزرگسال را با هم می‌کرد، اما کم‌کم از کار بزرگسال کم کردم، الان تقریباً کار کودک می‌کنم. فکر می‌کنم در کار کودک جزء نفرات اول در دنیا هستیم.

هر کسی کارش را با هدفی شروع می‌کند، کمبودی احساس می‌کند و می‌خواهد رفع کند و... شما می‌خواستید چه تحولی ایجاد کنید؟

من اعتقاد به عظمت و فرهنگ و هنر کشورم دارم. ایرانی بودن برای من افتخار است و چون آن را باور دارم، حرفم این بود که می‌توانیم در دنیا اول باشیم. جایگاه اول، نه حتی دوم. باور داشتم که جوان‌ها آنقدر استعداد دارند که اگر فرصت رشد و امکانات به آنها بدهیم، موفقیت‌های زیادی کسب می‌کنیم سعی کردم نویسنده‌ها و تصویرها ایرانی باشد، هویت و اعتقادهای سنت‌هایمان را نشان بدهد و اثری اصیل باشد، خیلی طول کشید تا کار جا بیفتد، بعدها از کسانی برای مدیریت هنری کمک گرفتم می‌خواستم کار تخصصی‌تر باشد و پس از ۲۳ سال توانستیم شکل درست و جهانی به کار بدهیم.

در مورد نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و جوایز ادبیات کودک بگویید، هر چند سال یک بار برگزار می‌شوند، براساس چه معیارهایی اثر را انتخاب می‌کنند و افتخارات شب‌ویز در این زمینه چیست؟

نمایشگاه کتاب کودک و تصویرگری بولونیا به شکل سالانه برگزار می‌شود و ۴ جایزه اول دارد جایزه داستانی اول، جایزه غیرداستانی، جایزه کتاب که نامش افق‌های تازه است و به کتابی داده می‌شود که یک حرکت جدید در شکل و طرح کتاب انجام داده باشد و جایزه برنامه‌های موزیکال بچه‌ها. شب‌ویز به طور استثناء در سال ۲۰۰۴ جایزه بولونیا را برای



مجموعه آثارش گرفت ما اولین ناشر بودیم که ۱۹ تصویر گرمان یک داستان را تصویرسازی کرده بودند، جلدهای برجسته داشتیم، صفحه آرایی مان نمونه و نو بود یا مثلاً در کتاب «تاپ تاپ تاپ» نگاه نویی به تصویرگری شده بود. تصاویر داخل کادر از لب، برش داده نشده بود بلکه خطهای کنار کار توی کار آمده بود و یکجور در هم تنیدگی متن و تصویر و نوشته داشت و این مجموعه هماهنگی کل کار بود که جایزه گرفت جایزه دیگر، جایزه ibby است که مسوولیت انتخاب آثار ایرانی از طرف کانون به شورای کتاب کودک محول شده است که آنها به شکل سهمیه بندی عمل می کنند و ۶ تصویرگر از شباویز فرستاده می شود که در

دو سال گذشته جایزه ها را شباویز گرفت. نمایشگاه براستیلاوا سه جایزه دارد جایزه اول درخت، جایزه دوم سیب و جایزه سوم پلاک است. در ایران پلاک و سیب قبلاً گرفته شده بود اما به جز پلاک که به ۲ کتاب از شباویز داده شد، درخت را هم برای اولین بار گرفتیم. همچنین نمایشگاه بلگراد است که دو سالانه برگزار می شود و قدمت بیشتری دارد، حدود ۱۰۰ سال است که کار می کند و ما برای اولین بار ۵ قلم زرین آن را گرفته ایم و همچنین دیپلم آن را به خاطر نشر. نوامی ژاپن هم هست که ۲ سالانه است و جوایز زیادی از آن رما کرده.

بیشترین مشکلاتی که به عنوان ناشر کودک دارید، در چه زمینه هایی است؟

گاهی برای بیشتر کار کردن و حرکت های گسترده تر روحیه بهتری می خواهیم. گاهی حمایت تشویق است الان شعار همه مسوولان حمایت از فرهنگ و هنر است اما عملاً حمایت آنها را احساس نمی کنیم مثلاً شهرداری می آید برای کتابخانه ها کتاب بخرد، ۸۰ درصد کار شباویز را رد می کند. انتشارات مدرسه و تربیت کار شباویز را رد می کنند، در حالی که کتاب های ما کتاب درسی بچه های چین، مالزی، تایلند و... است. کارهایی که دنیا قبولش دارند اینجا رد می شود. مورد جالبی بود در مورد کتاب «شعر رنگ ها» که مجموعه شعر کودکی بود که من سروده بودم، این کتاب در شورای کتاب کودک بررسی شد و می خواستند آن را ویژه اعلام کنند اما چون وزن و قافیه شعرهای عادی را

نداشت، کنار گذاشته شد در حالی که تحقیقات میدانی نشان داد این طور نیست و بچه‌ها آن را دوست دارند ولی جالب اینجاست که کتابخانه بین‌المللی دیجیتال کودک که مرکز آن در دانشگاه مریلند آمریکا است و آثاری از ۱۰۰ کشور دنیا روی سایت دارد، شباویز را به عنوان کشور ۱۰۱ می‌شناسد و بیش از ۳۰۰ کتاب روی سایت داریم. می‌خواهم بگویم اینجور برخورد کردن درست نیست، هنر تصویرگری با شباویز دوباره احیاء شد، بچه‌هایی بودند که اولین کارشان جایزه گرفت، ما با همین امکانات محدود اما با محتوایی غنی در تمام دنیا مطرح شده‌ایم ولی از اینجور کارهای فرهنگی که ماندگار هم هستند حمایت نمی‌شود. بیش از یک سوم درآمد آمریکا از فرهنگ و دانش است و ما تاریخ ۱۱ هزار ساله داریم و نمی‌توانیم؟ چرا؟ این سوالی است که هیچ وقت نمی‌توانم جوابش را پیدا کنم!

اما من بین انبوه تقدیرنامه‌های شما، تقدیرنامه‌هایی از طرف آقای خاتمی، آقای مسجد جامعی و... می‌بینم. جریان اینها چیست؟

چند باری ناشر سال شدم، اما بعد هر بار به شکلی اسممان حذف شد مثلاً همین امسال در نمایشگاه کتاب، اسممان در لیست کامپیوتر نبود و کسی رسیدگی نمی‌کرد. سال ۸۰ تیراژ اولیه کتاب ما ۱۲۰۰۰ بود و سال ۸۵ فقط ۲۰۰۰، سال ۸۳، ۶۵ عنوان، سال ۸۴، ۳۵ عنوان و امسال فقط ۴ عنوان منتشر شده داشته‌ایم، این نشان می‌دهد که چقدر این حلقه روز به روز دور ما تنگ‌تر می‌شود و به هر حال کم‌لطفی‌ها اثر منفی خودش را می‌گذارد.

چقدر تاثیر دارد که نویسنده‌ای ناشر، یا ناشری نویسنده هم باشد؟

اگر نمی‌توانستم بنویسم، کار نمی‌کردم. نوشتن مفردی و روزنه‌ای برای نفس کشیدن و دلیلی برای زنده بودن است که آدم می‌تواند دوام بیاورد و تحمل کند، عکس‌العمل‌ها را در بچه‌ها ببیند و لذت ببرد، وقتی فشار زیاد می‌شود نوشتن کم‌کم می‌کند و آرام می‌گیرم. زمان، مکان و شرایط چه تلخ و چه شیرین ذهنم را به عکس‌العمل وامی‌دارد و می‌نویسم.

آینده شباویز را چطور می‌بینید؟

می‌خواهم سهام شباویز را واگذار کنم، دوست دارم ملت ایرانی، هر کس که دوست دارد سهمی از شباویز بگیرد و در آینده دیگر نشر خصوصی نباشم بلکه شباویز جزو هر خانواده‌ای شده باشد.